کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

بسم الله الرحمن الرحیم

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

از من تا خدا

تربیت دینی

پایهٔ هشتم

دورهٔ اوّل متوسطه

(اجرای آزمایشی)

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

اهداف کلی:

- درک مفهوم هدایت الهی به عنوان فرآیندی مستمر در زندگی.
- تقویت باور به تأثیر ایمان و توکل در عبور از بحران‌ها.
- شناسایی راه‌های دریافت هدایت از طریق عقل، فطرت، پیامبران و اولیای الهی.
- الگوبرداری از زندگی اصحاب کهف و افراد هدایت‌یافته در تاریخ معاصر.

اهداف جزئی:

- تحلیل تصمیم اصحاب کهف برای ترک شهر و پناه بردن به غار.
- تبیین نقش ایمان و توکل در آرامش و مدیریت بحران.
- شناخت نشانه‌های هدایت الهی در طبیعت و زندگی انسان‌ها.
- آشنایی با داستان هدایت تپنا ماری به عنوان نمونه‌ای معاصر.
- درک اهمیت قرائت صحیح نماز و توجه به معانی آن.
- شناخت مصادیق «راه مستقیم» در زندگی از منظر قرآن.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳



۱- انسان در مبارزه با طاغوت چه وظایفی دارد؟

۲- اصحاب کهف، در مبارزه با طاغوت زمان خویش، چه راهی را انتخاب کردند؟

۳- اصحاب کهف برای حفظ جانشان به کجا پناه بردند ؟ چرا؟

از کاخ دقیانوس بیرون آمده بودیم، اما فکرم هنوز در کاخ مانده بود. حوادث را از نظر می‌گذراندم، به‌ویژه لحظهٔ اعلام یکتاپرستی تملیخا و دوستانش را.

بشیر مرا از عمق افکارم بیرون کشید:

ــ دقیانوس نمی‌داند با تملیخا و دوستانش چه کند. آنها هم فعلاً از کاخ بیرون آمده‌اند و آنجا دارند باهم حرف می‌زنند.

آنها در دل شب، دورِ یک چراغ روغنی نشسته بودند و چاره‌ای می‌اندیشیدند.

به بشیر گفتم: «مگر چه‌کار می‌توانند بکنند؟ یا باید مطیع دقیانوس باشند یا باید با او مبارزه کنند که اگر مبارزه کنند، کشته می‌شوند.»

بشیر با چهره‌ای که حالتی از مخالفت در خود داشت، گفت: «نه؛ همیشه هم راهش مبارزه کردن نیست. گاهی وظیفهٔ انسان، مبارزه است، گاهی سکوت و گاهی هم حفظ جان. حالا که اصحاب کهف عقیدهٔ توحیدی‌شان را علنی کرده‌اند، باید برای حفظ جانشان تلاش کنند.»

چشمم را به جمع تملیخا و دوستانش دوختم و گوشم را به حرف‌هایشان تیز کردم. یکی از دوستان تملیخا حرف عجیبی زد. او پیشنهاد داد:

ــ به غاری پناه ببریم و خیالمان آسوده باشد که خدا سایهٔ رحمتش را بر سرمان می‌گستراند و در این مسیر، آسایش ارزانی‌مان می‌کند.[۱]

با چشم‌های گردشده رو کردم به بشیر:

ــ چی؟! غار؟! شک ندارم قبل از اینکه از شهر خارج شوند، سربازان دقیانوس دستگیرشان می‌کنند.

بشیر همان‌طور که به آنها نگاه می‌کرد، گفت: «بلدند چطور مخفیانه از شهر خارج شوند. تازه، خودشان را به خدا سپرده‌اند.»

۱ـ سورهٔ کهف، آیهٔ ۱۶.

جواب سؤال ۲

جواب سؤال ۳

جواب سؤال ٤

٤- بشیر درپاسخ به راوی که گفته بود اصحاب کهف قبل از خروج از شهر توسط سربازان دقیانوس دستگیر می شوند ، چه گفت؟

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

تملیخا و دوستانش بعد از وداع با خانواده‌هایشان، مخفیانه از شهر خارج شدند.
کمی که از شهر فاصله گرفتند، برگشتند و نگاهی به دیوارهای شهرشان انداختند. معلوم نبود چه‌وقت دوباره به زادگاهشان برمی‌گردند. تملیخا که شاهد اندوه دوستانش بود، گفت: «برادران من! به راهمان ادامه می‌دهیم؛ باشد که خدا گشایشی در کارمان ایجاد کند.»

۵- تملیخا پس از خروج ازشهر، با مشاهده اندوه دوستانش چه گفت؟

جواب صفحه ۲۲ همین فایل

ایستگاه تفکر

۱ چه افراد دیگری را می‌شناسید که در راه خدا از دلبستگی‌ها و دوست‌داشتنی‌های خود دل بریده‌اند؟

۲ آیا برای شما هم پیش آمده که در دوراهی‌های زندگی، به خاطر خدا از یک خواسته دیگر بگذرید؟

به بشیر کمی جلوتر را نشان دادم و هراسان گفتم: «آنجا یک گلهٔ گوسفند است. ببین! اگر چوپانش تملیخا و دوستانش را ببیند، چه؟ باید خبرشان کنیم.»
بشیر با آرامش گفت: «چرا این قدر نگرانی؟! آنها گرسنه‌اند. شاید خدا به این وسیله راهی برای سیر شدنشان گشوده باشد.»
تملیخا و دوستانش به طرف چوپان و گله‌اش رفتند.
تملیخا از چوپان خواست مقداری شیر یا آب به آنها بدهد. چوپان به آنها خیره شد و ترس من هم بیشتر شد. چوپان گفت: «قیافه‌های شما به درباریان می‌خورد. آیا از دست دقیانوس فرار کرده‌اید؟»

۶- تملیخا براساس چه معیارها (نشانه هایی) به چوپان اعتماد کرد؟

دستانم را از شدت اضطراب روی سرم گذاشتم و گفتم: «وای؛ خدا رحم کند لو نروند!»
تملیخا در چهرهٔ چوپان، صداقت و پاکی می‌دید. از طرفی، احساس می‌کرد او را خدا برای آنها فرستاده است. کمی فکر کرد و گفت: «ما به خدایی ایمان آورده‌ایم که دروغ گفتن را جایز نمی‌داند. اگر راستش را بگوییم، آیا صداقتمان نجاتمان می‌دهد؟»
چوپان خیالشان را راحت کرد و تملیخا هم سرگذشت‌شان را برای او تعریف کرد. اشک‌های چوپان سرازیر شد و گفت: «ای مردان خدا! آنچه از خدای آسمان‌ها و زمین به قلب شما افتاده، به قلب من هم افتاده. خواهش می‌کنم بایستید تا من بروم و این گوسفندان را به صاحبانشان برگردانم و نزد شما بیایم. من می‌خواهم همراه شما باشم.»

۱- صداقت و پاکی در چهره و نگاه چوپان ۲- پیشینهٔ فکری و روحیهٔ جست‌وجوگری چوپان (او قبل از دیدار تملیخا و دوستانش به فکر خالق آسمان‌ها و زمین بوده و برای شناخت او تلاش کرده است.)

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

به صورت بشیر نگاه کردم؛ آرام بود. با اینکه به چوپان شک داشتم اما از آرامش صورت بشیر، من هم آسوده‌خاطر شدم.

۷- چرا چوپان خیلی زود حرف های تملیخا و دوستانش را قبول کرد؟

بشیر نگاهی به من کرد و گفت: «به چوپان شک نداشته باش. او قبل از دیدار تملیخا و دوستانش به فکر خالق آسمان‌ها و زمین بوده و برای شناخت او تلاش کرده است. به‌خاطر همین، حرف‌های تملیخا را زود قبول کرد. اگر کسی مثل چوپان دنبال حقیقت باشد، هرجای دنیا که باشد، خدا دستش را می‌گیرد و راه درست را نشانش می‌دهد.»

جواب سؤال ۷ دلیل اول

جواب سؤال ۷ دلیل دوم

براساس این آیه خدا به نیکوکاران چه وعده ای داده است؟

وَ الَّذينَ جاهَدوا فينا لَنَهدِيَنَّهُم سُبُلَنا وَ إِنَّ اللهَ لَمَعَ المُحسِنينَ.

و آنها که در راه ما تلاش کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است.

موضوع آیه: ۱- وعده قطعی هدایت الهی به مجاهدان ۲- همراهی خدا با نیکوکاران

جهاد و تلاش انسان ⟵ هدایت ویژه خداوند ⟵ همراهی دائمی خدا با نیکوکاران

چوپان رفت که گوسفندها را به صاحبانشان تحویل دهد. زمان کُند می‌گذشت. تملیخا و دوستانش هم خاطراتشان را مرور می‌کردند.

دوست تملیخا داشت می‌گفت: «آشنا شدن با چوپان لطف خدا بود. او این منطقه را خوب می‌شناسد و می‌تواند راهنمایی‌مان کند.»

داشتم به حرف‌ها گوش می‌دادم که از دور، یک سیاهی دیدم. کمی که نزدیک‌تر شد، مطمئن شدم چوپان است. دوروبرش کس دیگری نبود؛ اما نگرانی رهایم نمی‌کرد.

چوپان خوشحال و خندان رسید و گفت: «امانت‌ها را به صاحبانشان برگرداندم؛ از حالا دیگر در خدمت شما هستم.»

صداقت چهرهٔ چوپان، از نگرانی‌ام کم کرد. همگی پشت سر چوپان راه افتادیم. سگ گلهٔ چوپان هم که او را رها نمی‌کرد، دنبالمان آمد. برخی از دوستان تملیخا گفتند: «ممکن است این حیوان با سروصدایش باعث دردسر شود.» برای همین هم آن را دور کردند ولی حیوان نمی‌خواست برود. حتی خودِ چوپان هم به او گفت برگردد، اما بی‌فایده بود. بنابراین، تملیخا و دوستانش اصرار سگ را به فال نیک گرفتند و بیشتر از آن مانعش نشدند. بشیر به من گفت: «بفرما؛ این هم یکی دیگر از الطاف خدا به تملیخا و دوستانش؛ سگ نگهبان و باوفا.»

۸- لطف خداوند به تملیخا و دوستانش بعد از خروج از شهر و در مسیر غار چه چیزهایی بود؟

۱- ملاقات با چوپان (که به آن ها آب و شیر داده بود) ۲- همراهی سگ نگهبان و باوفا

۳- پیدا کردن غار مناسب ۴- منابع آب و غذا.

۱ـ سوره عنکبوت آ

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

تلنگر

گفتم: هر وقت می‌خواهم شروع به تغییر کنم، کمی که فکر می‌کنم پشیمان می‌شوم.
گفت: چرا؟
گفتم: می‌بینم برای اینکه بتوانم تغییر کنم، یک عالمه شرایط لازم دارد.
گفت: مثل چی؟
گفتم: دوست خوب، زندگی بدون مشکل، استاد دلسوز و ...
گفت: برای حرکت در مسیر تغییر، خدا کافی است.
گفتم: یعنی چیز دیگری لازم نیست؟
گفت: آنچه را که می‌دانی، انجام بده، خدا خودش هر چه را لازم داری، مهیا می‌کند.

عبرت‌آموزی از سرگذشت پیشینیان و استفاده از تجربیات آنان – به ویژه روایت‌های قرآنی – به عنوان چراغ راه برای زندگی کنونی.

۹- فایده مطالعه تاریخ گذشتگان (اصحاب کهف) را بنویسید.

به بشیر گفتم: «اصحاب کهف چه داستان خوبی دارند.»
بشیر سر تکان داد و گفت: «تاریخ پر از درس عبرت است. انسان می‌تواند با تفکر در زندگی گذشتگان، به‌ویژه کسانی که سرگذشتشان در قرآن آمده، راه درست زندگی را پیدا کند.»
ما غرق حرف زدن بودیم که چوپان کوهی را با دست نشان داد و گفت: «در آن کوه غاری‌ست که می‌تواند پناهگاه خوبی برایمان باشد.»
فکر خوبی بود؛ به استراحت نیاز داشتند. با وجود خستگی و کوفتگی زیاد، از کوه بالا رفتند و خودشان را به غار رساندند.

۱۰- غار اصحاب کهف را توصیف کنید.

عجب غار خوبی! کنارش چه درختان پرباری روییده و چه چشمهٔ زلالی جوشیده! میوه‌ها رسیده بودند و باید چیده می‌شدند. تملیخا و دوستانش دست‌به‌آسمان، هم خدا را شکر کردند و هم میوه‌ها را چیدند، سپس از آب چشمه نوشیدند و با آن سروصورتشان را شستند.
هنوز آفتاب از دیده‌ها پنهان نشده بود.

پاسخ :ربوبیت (پروردگاری) و لطف خدا در این داستان به صورت‌های زیر آشکار است:
۱- هدایت درونی: قرار دادن عشق به توحید و نفرت از شرک در دل آنان.
۲- فراهم‌آوردن یار و راهنما: قرار دادن چوپان حقیقت‌جو در مسیر آنها.

ایستگاه تفکر

با کمک هم‌گروهی‌های خود داستان اصحاب کهف را بررسی کرده و بگویید ربّ بودن خدا و لطف او نسبت به اصحاب کهف، چگونه معلوم می‌شود؟

۳- **فراهم‌آوردن پناهگاه و آذوقه:** آماده کردن غار امن، چشمه آب زلال و درختان میوه برای رفع نیازهای اولیه آنها.
۴- **فراهم‌آوردن محافظ** : قرار دادن سگ باوفا به عنوان نگهبان برای آنها.
۵- **ایجاد آرامش قلبی:** پس از تمام این اتفاقات، آرامش خاطر به آنان داد تا در پناهگاه خود استراحت کنند.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

برداشت از گفت‌وگوی « تلنگر» :

۱- نقد بهانه‌تراشی و کمال‌گرایی منفی

- شخص اول منتظر است **همه شرایط ایده‌آل** (دوست خوب، زندگی بی‌مشکل، استاد دلسوز...) فراهم شود تا تغییر را آغاز کند. این نگرش، عملاً **مانع اقدام** می‌شود و فرد را در مرحله «آرزو» متوقف می‌سازد.
- این نوع تفکر، **فرافکنی مسئولیت** است: گویی تغییر منوط به عوامل خارجی است، نه اراده و شروع خود فرد.

۲- پیام مرکزی: "خدا کافی است"

الف- پاسخ شخص دوم **توحید عملی** را آموزش می‌دهد: وقتی هدف، حرکت در مسیر الهی باشد، تنها تکیه‌گاه مورد نیاز، **خود خداست**.

ب- این جمله به معنای نادیده گرفتن برنامه‌ریزی نیست، بلکه تأکید بر **توکل فعال** است: ابتدا بر خدا تکیه کن، سپس با امکانات موجود شروع کن.

۳ .فرمول عمل: "آنچه می‌دانی انجام بده"

الف- این جمله، **نقطه شروع عملی** را مشخص می‌کند:

- نیاز نیست همه راه را بدانی.
- نیاز نیست همه مقدمات فراهم باشد.
- **اولین قدم آشنا و ممکن** را بردار (همان‌چه اکنون می‌دانی و می‌توانی).

ب- سپس وعده الهی محقق می‌شود :**خداوند آنچه را لازم داری، مهیا می‌کند** .این «مهیا کردن» می‌تواند شامل **فراهم شدن راهنما، فرصت‌های جدید، توانایی‌های ناشناخته درخودت، یا گشایش راه‌های بسته** باشد.

سوال اول: **پیام اصلی گفتگوی بشیرو راوی درباره اصحاب کهف چیست؟**

پاسخ: عبرت‌آموزی از سرگذشت پیشینیان و استفاده از تجربیات آنان – به ویژه روایت‌های قرآنی – به عنوان چراغ راه برای زندگی کنونی.

سوال دوم: **غار در این متن نماد چیست؟**

پاسخ: غار نماد **پناهگاه امن** در میانه سختی‌هاست؛ جایی که می‌توان در آن هم استراحت کرد و هم با استفاده از نعمت‌های طبیعی اطراف آن (درختان پربار، چشمه زلال)، قوّت گرفت.

سوال سوم:**چرا تملیخا و دوستانش پیش از بهره‌گیری از میوه و آب، دست به آسمان بردند؟**

پاسخ: این عمل نشان‌دهنده **شکرگزاری و توجه به منبع نعمت‌هاست**؛ یعنی پیش از برآوردن نیازهای جسمانی، قدردانی از خداوند و توجه به جنبه معنوی نعمت‌ها.

سوال چهارم:**ارتباط میان «تفکر در تاریخ» و «پیدا کردن پناهگاه» در این بخش چه مفهومی دارد؟**

پاسخ: همان‌طور که تفکر در داستان اصحاب کهف می‌تواند **پناهگاه فکری و معنوی** بسازد، اقدام عملی برای یافتن غار نیز **پناهگاه فیزیکی** ایجاد می‌کند. این دو با هم نشان می‌دهند که انسان همزمان به **هدایت درون** (از طریق عبرت) و **امنیت بیرون** نیاز دارد.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

همگی برای استراحت وارد غار شدند، جز سگ باوفای چوپان که دم درِ غار خوابید. عجب سگ فهیمی! می‌داند که جای او در کنار انسان‌ها نیست و باید از آنها فاصله بگیرد و می‌داند که باید دم در باشد و نگهبانی بدهد.

سخنی با والدین

پدر و مادر گرامی!

چرا با اینکه به اندازهٔ کافی به فرزندانمان محبت می‌کنیم؛ اما در عمل، تأثیر محبت‌ها را در رفتار و گفتار فرزندانمان نمی‌بینیم؟



دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

مناجات

تو گره‌گشای مشکلات عالم هستی!

یا مَن تُحَلُّ بِهِ عُقَدُ المَکارِهِ

ای کسی که مشکلات به دست او حل می‌شود! زندگی‌ام به مشکل خورده است.

وَ یا مَن یُفتَأُ بِهِ حَدُّ الشَّدائِدِ

ای کسی که سختی‌ها به دست او آسان می‌شود! زندگی‌ام پر از سختی شده است.

وَ یا مَن یُلتَمَسُ مِنهُ المَخرَجُ إلی رَوحِ الفَرَجِ.

و ای کسی که درماندگان درِ خانهٔ او را می‌زنند! تمام درها به رویم بسته شده است.

بخشی از دعای هفتم صحیفهٔ سجادیه

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳



قصه: سورهٔ توحید و یک تحول بزرگ

در تگزاس، دومین ایالت بزرگ و پرجمعیت آمریکا زندگی می‌کرد. پدرش کشیش بود و در میان مردم جایگاه ویژه‌ای داشت. یکشنبه‌های هر هفته در کلیسا برای مردم سخنرانی می‌کرد.

داستان نجمه (تینا ماری):

این بخش داستان واقعی دختری آمریکایی به نام **ماری** را بیان می‌کند که در خانواده‌ای مسیحی رشد کرده است. او با وجود حضور در کلیسا، درباره برخی باورهای مسیحیت (مانند خسته شدن خدا یا پسر خدا بودن عیسی) سؤال و تردید دارد. سرانجام با کمک یک دانشجوی ایرانی با **اسلام و قرآن** آشنا می‌شود. **سوره توحید** نقطه عطف ایمان اوست، زیرا مفهوم **یگانگی مطلق خداوند** را به وضوح بیان می‌کند. او با وجود مخالفت شدید و طرد شدن توسط پدر کشیشش، مسلمان می‌شود و نام **نجمه** را برمی‌گزیند. سال‌ها بعد، با توسل به امام رضا (ع) برای شفای پدر بیمارش دعا می‌کند و پس از بهبودی معجزه‌آسای پدر، آشتی بین آنان رخ می‌دهد. این داستان بر **جستجوی حقیقت**، **استقامت درراه ایمان و لطف الهی** تأکید دارد.

- مهم‌ترین سؤالات ذهن تینا ماری درباره مسیحیت چه بود؟ و سوره توحید چگونه به این سؤالات پاسخ داد؟

  - **پاسخ**: سؤالات اصلی او درباره "خسته شدن خدا پس از آفرینش" و "تثلیث (پدر، پسر، روح القدس)" بود. سوره توحید با تأکید بر **یگانگی مطلق (أحد)**، **بی‌نیازی مطلق (الصمد)** و **نزاده و زاده نشدن (لم یلد و لم یولد)** خداوند، پاسخی قاطع و عقلانی به این شبهات داد.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

پدرش از اینکه دختری مثل ماری دارد، خوشحال بود. چون او با پایبندی به عقاید مسیحیت نشان می‌داد تربیت پدرش نتیجه داده و همین مایهٔ افتخار او بود.

ماری برخلاف ظاهر آرامَش، درونی پرتلاطم داشت. اگرچه هر هفته پای سخنرانی پدر می‌نشست، اما دنیایی از سؤال در ذهنش موج می‌زد و آرزو می‌کرد کاش روزی به جوابشان برسد.

ــ به ما می‌گویند خدا پس از آفرینش جهان استراحت کرد.[۱] آخر این چه خدایی‌ست که خسته می‌شود و نیاز به استراحت دارد؟

ــ به ما می‌گویند عیسی هم خداست، هم پیامبر خدا و هم پسر خدا.[۲] خب چگونه می‌شود یک نفر هم خدا باشد و هم پیامبر خدا؟ هم خدا باشد و هم پسر خدا؟ پس روزی که عیسی به دنیا آمد، روز تولد خدا و روزی که عیسی را به صلیب کشیدند و اعدام کردند[۳] هم روزِ ... ؟

ماری به این نتیجه رسید که نمی‌تواند پاسخ سؤالاتش را در مسیحیت پیدا کند، پس به سراغ ادیان دیگر رفت. یک دانشجوی ایرانی واسطه شد تا او با دین اسلام آشنا شود. ماری در اولین گام، سراغ از قرآن گرفت و اولین سوره‌ای که با آن، مواجه شد، سورهٔ توحید بود.

شروع به خواندن سوره کرد. به اولین آیه خیره ماند:

ـ **قُل هُو اللهُ أحَدٌ**؛ بگو خدا یکی‌ست.

خدا یکی است؟ یعنی جز او خدایی نیست؟ پس عیسی خدا نیست. خواندن را ادامه داد:

ـ **اللهُ الصَّمَدُ**؛ خدا به کسی وابسته نیست، اما همه به او وابسته‌اند.

ماری به دنبال همین خدایی بود که دیگران به او وابسته باشند. او خدایی را که خسته می‌شد و نیاز به استراحت داشت، نمی‌خواست. آیهٔ بعدی را خواند:

ـ **لَم یَلِد وَ لَم یولَد**؛ خدا نه زاده شده و نه می‌زاید.

پس چرا به ما می‌گویند عیسی پسر خداست؟

او تشنه بود و قرآن چشمهٔ جوشان. دوست داشت فریاد اعتراض سر دهد. فریاد بزند و همه را آگاه کند که بیایید خدای حقیقی را در قرآن بجویید.

آخرین آیه نیز نشان می‌داد برخی از آموخته‌های او دربارهٔ خدا، اشتباه است:

ـ **وَ لَم یَکُن لَهُ کُفُواً أحَدٌ**؛ برای خدا هیچ همتایی نیست.

ماری به تحقیقاتش ادامه داد تا به این نقطه رسید که می‌بایست یکی از این دو راه را انتخاب

۱ـ عهد عتیق (تورات)، سفر پیدایش، باب ۲، شمارهٔ ۲ و ۳.

۲ـ عهد جدید (انجیل)، باب ۲۰، شمارهٔ ۳۱.

۳ـ طبق عقیدهٔ مسیحیان، حضرت عیسی علیه‌السلام را به صلیب کشیده و کشته‌اند؛ درحالی‌که قرآن چنین عقیده‌ای را قبول ندارد. (ر.ک: سورهٔ نساء، آیهٔ ۱۵۷)

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

کند: مسلمان شود یا مسلمان نشود. اگر مسلمان می‌شد، بی‌شک مشکلات زیادی برایش پیش می‌آمد و اگر مسلمان نمی‌شد، با تلاطمی که در وجودش به‌پا شده بود، دیگر روی آرامش را نمی‌دید.

او سرانجام تصمیم خودش را گرفت. روزی به پدرش گفت: «من دربارهٔ دین تحقیق کرده و به این نتیجه رسیده‌ام که اسلام دین حق است. پس مسلمان شدم.»

رنگ پدرش پرید:

ــ یا عیسی مسیح! ماری! تو هستی که این حرف‌ها را می‌زنی؟ یعنی دختر کشیش کلیسای تگزاس مسلمان شده؟

پدر وقتی قاطعیت دخترش را دید، صدایش را بلندتر کرد و گفت: «حالا به مردم چه بگویم؟ خودم کشیش هستم و دخترم دینش را عوض کرده؟!»

ماری گفت: «من باید دربارهٔ اعمال خودم به خدا جواب بدهم؛ نه به مردم.»

بعد از آن دیگر پدر با ماری حرف نزد و به مردم هم گفت: «من با این دختر گمراه کاری ندارم؛ او دیگر دختر من نیست.»

ترک کردن خانواده برای ماری سخت بود، اما آشنا شدن با خدای مهربان این سختی را برایش قابل تحمل می‌کرد.

او با یک دانشجوی ایرانی ازدواج کرد و بعدها به ایران آمد؛ بی‌آنکه حتی یک نفر از اعضای خانواده‌اش برای بدرقهٔ او به فرودگاه بیایند.

سال‌ها گذشت تا اینکه روزی از آمریکا خبر رسید پدرش سرطان گرفته است. ماری امام رضا علیه‌السلام را خیلی دوست داشت، پس با دلی شکسته راهی مشهد شد و به زیارت حرم امام رضا علیه‌السلام رفت تا از ایشان برای پدرش سلامتی طلب کند.

او پس از مشهد، عازم تگزاس شد و خدا خدا می‌کرد به خانه راهش بدهند. وقتی به خانه رسید، در را به رویش باز کردند ولی خبر دادند پدرش در بیمارستان بستری‌ست و حال خوبی ندارد. ماری این‌بار از راه دور، دلش را راهی حرم امام رضا علیه‌السلام کرد و سلامتی پدرش را از ایشان خواست.

مدتی بعد، از پدر آزمایش جدیدی گرفته شد. خدای من! اثری از سرطان در بدن او نبود. پزشک‌ها تعجب کرده بودند، اما ماری که به قدرت امام رضا علیه‌السلام ایمان داشت، می‌دانست چه اتفاقی افتاده و شکرگزار بود. پس از شفای پدرش، معجزهٔ دیگری نیز رخ داد: پدر با ماری آشتی کرد.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

(آنچه خواندید، سرگذشت خانم تینا ماری بود که نام نجمه را برای خود انتخاب کرده و در حال حاضر، خادم حرم احمد بن موسی شاهچراغ علیه‌السلام است.[۱])

برداشت

به نظر شما بین زندگی تینا ماری و اصحاب کهف چه شباهت‌هایی وجود دارد؟

۱- **جست‌وجوی آگاهانه حقیقت**: هر دو به دنبال شناخت خداوند یکتا بودند و به عقاید رایج و محیط اطراف خود قانع نشدند. (اصحاب کهف در مقابل بت‌پرستی، نجمه در مقابل اعتقادات تحریف‌شده)

۲- **ایستادگی و گذشت**: هر دو برای حفظ ایمان خود، از آسایش و دلبستگی‌های مهمی گذشتند. اصحاب کهف از وطن و خانواده، نجمه از موقعیت اجتماعی و ارتباط با خانواده‌اش.

۳- **مواجهه با فشار اجتماعی**: هر دو با مخالفت و ستم قدرتمندان زمان خود روبرو شدند (دقیانوس / پدر کشیش و جامعه مسیحی).

۴- **یاری و لطف ویژه الهی**: خداوند هر دو گروه را تنها نگذاشت؛ برای اصحاب کهف غار و همراهان را فرستاد و برای نجمه، قرآن، راهنما (دانشجوی ایرانی) و در نهایت شفای پدر و آشتی را قرار داد.

۵- **نتیجه شیرین ایمان**: هر دو به آرامش و پیروزی نهایی (نجات جان / یافتن حقیقت و حتی بهبود روابط) دست یافتند.



۱ـ برگرفته از مصاحبه‌های گوناگون خانم تینا ماری.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

۱۱- اهمیّت ذکر اهل بیت در خانه را بنویسید.

احکام: راه مستقیم را چگونه بشناسیم؟

پدرم می‌گوید ذکر اهل بیت ﷺ در خانه، برای همهٔ اهالی خانواده مایهٔ خیر و برکت است. برای همین هم ماهی یک بار در خانه‌مان مجلس می‌گیرد. از صبح که بلند شدیم، همه در تکاپو بودیم تا خانه را برای مجلس روضه آماده کنیم. پدرم برای خرید بیرون رفته بود، مادر و خواهرم مشغول نظافت خانه بودند و من و برادرم هم پرچم‌ها را نصب می‌کردیم. قرار بود خانم‌ها در اتاق‌ها و آقایان هم در پذیرایی بنشینند. صندلی حاج‌آقا هم طوری گذاشته شود که همه او را ببینند.

سخنران جلسه حاج‌آقای محمدی بود. همین‌که می‌خواست روی صندلی بنشیند، میثم هم بلند شد و در گوشش گفت: «می‌شود مثل دیشب، باز هم دربارهٔ نماز حرف بزنید؟»

۱۱- برای این که نماز بر ما تأثیر بگذارد، باید به چه چیزهایی توجّه کنیم؟

ـ برای اینکه نماز بر ما تاثیر بگذارد، حداقل باید به دو چیز توجه کنیم: یکی اینکه حواسمان باشد در برابر خدای آسمان‌ها و زمین به نماز ایستاده‌ایم که در مهربانی، قدرت، علم، حکمت و سایر خوبی‌ها همتا ندارد. هر چقدر خدا را بیشتر بشناسیم، میلمان به حرف زدن با او بیشتر می‌شود. دوم اینکه بدانیم چه می‌خوانیم، زیرا آیات و اذکار نماز معانی زیبایی دارند. عده‌ای فقط برای تلفظ کلمات نماز حساسیت نشان می‌دهند و از معنای آن غافل می‌شوند. عده‌ای هم آن‌قدر نمازشان را تند می‌خوانند که اصلاً نمی‌توانند به معنایش فکر کنند.

۱۲- این که برخی درنمازیک ذکررا تکرارمی کنند، درست است؟

حاج‌آقا گفت: «تکرار ذکرهای نماز در این دو صورت اشکال ندارد: اول اینکه اشتباه قرائت کردی و می‌خواهی درستش را بگویی؛ دوم اینکه از قسمتی از ذکر نماز خوشت آمده و دوست داری تکرارش کنی. اما اگر کسی ذکر نماز را وسواس‌گونه تکرار کند، کار حرامی مرتکب شده و حتی طبق فتوای برخی از مراجع تقلید، نمازش باطل می‌شود.»

۱۳- درچه صورتی تکراریک ذکردرنماز، آن را باطل می کند؟ (حکم وسواس بودن درتکرارذکرنمازچیست ؟)

ـ ما در سورهٔ حمدِ نمازمان می‌گوییم: «اِهدِنا الصِّراط المُستقیم؛ خدایا! ما را به راه راست هدایت کن.» راه راست آنجاست که خدا به انسان‌ها فرموده: «مگر من با شما عهد نبستم بندگی شیطان را نکنید و بندگی مرا کنید؛ که این راه مستقیم است؟[۱]»

حاج‌آقا پرسید: «پس راه مستقیم چه راهی است؟»

طاها، پسر همسایه، با صدای بلند گفت: «راه بندگی خدا. یعنی فقط به حرف خدا گوش کنی و حرف شیطان را زیر پا بگذاری.»

۱۴- درعبارت « إهْدنا الصِّراطَ المُستَقیمَ » ، راه راست چه راهی است؟

۱ـ

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

۱۵- راه راست راه چه کسانی است؟

ـ برای شناخت راه راست، خدا در همین سورهٔ حمد می‌گوید: «صِراطَ الَّذینَ أنعَمتَ عَلَیهِم؛ راه کسانی که به آنها نعمت دادی.» حالا باید دید منظور از کسانی که خدا به آنها نعمت داده، چه کسانی هستند که ما هر روز حداقل ده بار از خدا می‌خواهیم که با چنین انسان‌هایی باشیم.

۱۶- منظور از راه راست که خدا به آن ها نعمت داده، چه کسانی هستند؟

خدا در قرآن می‌گوید: «هرکسی از خدا و رسولش اطاعت کند، [روز قیامت] با کسانی خواهد بود که خدا به آنها نعمت داده. یعنی پیامبران، انسان‌های صادق [کسانی که حرف و عمل‌شان یکی‌ست]، شهدا و درستکاران، که همگی رفقای خوبی هستند.[۱]»

پس باید ببینیم این ستارگان هدایت در چه مسیری بوده و چگونه زندگی کرده‌اند تا ما هم همان کار را انجام دهیم.

خیلی مهم

سؤال: من تا به حال حمد و سورهٔ نمازهای صبح و مغرب و عشا را آهسته خوانده‌ام. آیا نمازهایم باطل شده‌اند؟

جواب: اول؛ بلند خواندن حمد و سورهٔ این نمازها تنها بر مردان واجب است. پس اگر شما خانم هستید، نمازهایتان درست است.

اما اگر آقا هستید، اگر از روی فراموشی یا به‌خاطر ندانستن حکم شرعی، این واجب را رعایت نکرده‌اید، نمازتان صحیح است. اما اگر عمداً آن را رعایت نکرده‌اید، نمازتان باطل است.

سؤال: منظور از بلند یا آهسته خواندن در نماز چیست؟

جواب: بلند خواندن به حرف زدنِ عادی ما با یکدیگر شباهت دارد و آهسته خواندن مثل زمزمه کردن است.

ایستگاه تفکر

صحیح یا باطل بودن نماز را در موقعیت‌های زیر مشخص کنید.

موقعیت	صحیح	باطل
۱ـ راضیه از ذکر سجده خوشش می‌آید و آن را دوبار می‌گوید.	✓	
۲ـ امیر از روی خجالت، حمد و سورهٔ نماز مغرب را آهسته می‌خواند.		✓
۳ـ نرگس از روی فراموشی، حمد و سورهٔ نماز صبح را آهسته می‌خواند.	✓	

۱ـ سوره نساء، آیهٔ ۶۹.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

سؤالات پایان درس

◆ ۱| عرفان به بازی رایانه‌ای علاقهٔ زیادی دارد، ولی حالا متوجه شده که این بازی، باعث غفلت از نماز و درس‌هایش شده. او چگونه می‌تواند در چنین موقعیتی تصمیم درست بگیرد؟ برای پاسخ می‌توانید از رفتار اصحاب کهف الگو بگیرید.

.....

.....

◆ ۲| زهره دوست دارد به دوستانش که در برخی درس‌ها نیاز به تلاش بیشتری دارند، کمک کند. او حاضر است اگر لازم باشد، از استراحت خود بگذرد. زهره تصمیم دارد با کارهای کوچک اما مداوم به دیگران کمک کند.

الف) به نظر شما این تصمیم زهره می‌تواند نوعی تلاش در راه خدا باشد؟ دلایل خود را بنویسید.

.....

.....

ب) بر اساس آیهٔ «**وَ الَّذينَ جاهَدوا فينا لَنَهدِيَنَّهُم سُبُلَنا وَ إِنَّ اللّهَ لَمَعَ المُحسِنينَ.**» خداوند به زهره و چنین افرادی چه وعده‌ای می‌دهد؟

.....

.....

◆ ۳| تصور کنید تملیخا هستید و سورهٔ توحید و معنای آن را می‌دانید. اکنون می‌خواهید در حضور دقیانوس از توحید سخن بگویید و مردم سرزمین اُفسوس را آگاه سازید و آنها را از پیروی از دقیانوس نهی کنید. در این موقعیت، چه می‌گفتید؟

.....

.....

◆ ۴| برای اینکه نماز اثر واقعی خود را بگذارد، باید به چه نکاتی توجه کنیم؟

.....

.....

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

صفحه ۹۶: سؤالات پایان درس

۱. **سؤال ۱ :**عرفان به بازی رایانه‌ای علاقهٔ زیادی دارد، ولی حالا متوجه شده که این بازی، باعث غفلت از نماز و درس‌هایش شده. او چگونه می‌تواند در چنین موقعیتی تصمیم درست بگیرید؟

- **پاسخ :**او می‌تواند مانند اصحاب کهف که برای حفظ ایمان، وطن خود را رها کردند، برای حفظ نماز و درسش، **برنامه‌ریزی کند** و زمان استفاده از بازی را **محدود** و **کنترل‌شده** نماید. می‌تواند به خود قول دهد که اول نماز و درسش را بخواند و سپس به عنوان پاداش، مدت معینی بازی کند.

۲. **سؤال ۲ :**زهره دوست دارد به دوستانش کمک کند.

- **الف)** آیا این کار نوعی تلاش در راه خدا (جهاد) است؟

  - **پاسخ :**بله، زیرا هر کار خیری که برای رضای خدا و کمک به بندگان او انجام شود، یک **"جهاد اکبر "**(تلاش با نفس) و یک عمل صالح محسوب می‌شود.

- **ب)** خداوند به چنین افرادی چه وعده‌ای می‌دهد؟

  - **پاسخ»** :وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»؛ قطعاً کسانی که در راه ما بکوشند، آنان را به راه‌های خویش هدایت خواهیم کرد. (سوره عنکبوت، آیه ٦٩)

۳. **سؤال ۳ :**تصور کنید تملیخا هستید و در حضور دقیانوس از توحید سخن می‌گویید. چه می‌گفتید؟

- **پاسخ (ایده‌ای)»** :ای مردم! این ستارگان، این خورشید و این زمین و آسمان، همگی نشانه‌هایی از خدایی یگانه و توانا هستند. خدایی که نه می‌خورد و نه می‌خوابد و نه مانند دقیانوس می‌ترسد. اوست که روزی ما را می‌دهد و ما را می‌میراند. پرستش جز او، گمراهی است«.

٤. **سؤال ٤ :**برای اینکه نماز اثر واقعی خود را بگذارد، باید به چه نکاتی توجه کنیم؟

- **پاسخ** .۱ :توجه به عظمت خداوندی که با او سخن می‌گوییم. ۲. فهمیدن معانی اذکار و آیاتی که می‌خوانیم. ۳. دوری از وسواس. ٤. حضور قلب و غرق نشدن در افکار دنیوی.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

نمونه سوالات درس ششم

الف) سوالات چندگزینه‌ای

۱ .**دلیل اصلی پناه بردن اصحاب کهف به غار چه بود؟** (صفحه ۸۴، پاراگراف اول)

الف) فرار از فقر ☐ ب) حفظ جان و ایمان ☑ ج) یافتن گنج ☐ د) ماجراجویی ☐

۲ .**کدام یک از موارد زیر از راه‌های هدایت الهی نیست؟** (صفحه ۸۶، پاراگراف دوم)

الف) تفکر در آفرینش ☐ ب) عمل به دستورات خدا ☐ ج) پیروی از هوای نفس ☑ د) توسل به اولیای الهی ☐

۳ .**منظور از «راه مستقیم» در نماز چیست؟** (صفحه ۹۴، پاراگراف دوم)

الف) راه بندگی خدا ☑ ب) راه تجارت ☐ ج) راه علم‌آموزی ☐ د) راه ورزش ☐

ب) سوالات صحیح/غلط

۱ .**چوپان پس از آشنایی با اصحاب کهف، به آنها ایمان آورد.** (صفحه ۸۵، پاراگراف آخر) ✓**پاسخ: صحیح**

۲ .**تینا ماری پس از تحقیق، دین مسیحیت را به عنوان دین حق انتخاب کرد.** (صفحه ۹۲، پاراگراف اول)

✓**پاسخ: غلط** او اسلام را انتخاب کرد

۳ .**در نماز، بلند خواندن حمد و سوره برای زنان واجب است.**(صفحه ۹۵، پاراگراف مربوط به احکام)

✓**پاسخ: غلط** (فقط برای مردان واجب است .)

د) سوالات تشریحی

۱ .**چه شباهتی بین داستان اصحاب کهف و تینا ماری وجود دارد؟** (صفحه ۹۳، بخش برداشت)

✓**پاسخ :** هر دو گروه برای یافتن حقیقت، از آسایش و خانواده خود گذشتند و در راه خدا مقاومت کردند.

۲ .**نقش نماز در هدایت انسان چیست؟** (صفحه ۹۴، پاراگراف اول)

✓**پاسخ :** نماز باعث یاد خدا، آرامش دل و تقویت روحیه بندگی می‌شود و انسان را در مسیر مستقیم الهی نگه می‌دارد.

۳ .**اگر شما به جای چوپان بودید، آیا به اصحاب کهف می‌پیوستید؟ چرا؟** (صفحه ۸۵، پاراگراف آخر)

✓**پاسخ :** بله، زیرا آنها به حقیقت رسیده بودند و همراهی با آنها باعث هدایت و تقویت ایمان می‌شد.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

تحلیل صفحه به صفحه درس ششم: درمسیرهدایت

صفحه ۸٤: تصمیم بزرگ

- **سؤال تشریحی:**

چرا اصحاب کهف تصمیم گرفتند به جای مبارزه مستقیم با دقیانوس، به غار پناه ببرند؟ این تصمیم چه درس‌هایی برای زندگی امروز ما دارد؟

- **پاسخ :**آنها دریافتند که در آن شرایط، مبارزه مستقیم برابر یک حاکم زورمند تنها به نابودی خود و از بین رفتن نور ایمان می‌انجامد. بنابراین، هوشمندانه "حفظ جان و ایمان" را بر "مقاومت تا پای مرگ" ترجیح دادند. این به ما می‌آموزد که گاهی خردمندانه‌ترین کار، عقب‌نشینی تاکتیکی برای حفظ ارزش‌های اصیل است تا در فرصتی مناسب بتوان به میدان بازگشت.

- **سؤال کوتاه پاسخ:**

اولین اقدام اصحاب کهف پس از خروج از شهر چه بود؟

- **پاسخ :**با خانواده‌های خود وداع کردند. (ص ۸۵، پاراگراف اول)

صفحه ۸۵: ملاقات سرنوشت‌ساز

- **سؤال تشریحی:**

ویژگی‌های اخلاقی تملیخا در برخورد با چوپان چه بود و این رفتار چه نتیجه‌ای داشت؟

- **پاسخ :**او **صداقت** و **شجاعت** داشت و بدون ترس، حقیقت را گفت. این صداقت، باعث جلب اعتماد چوپان شد و قلب آماده او را به سوی ایمان جذب کرد. این نشان می‌دهد که راستگویی حتی در شرایط سخت، می‌تواند موجب هدایت دیگران شود.

- **سؤال کوتاه پاسخ:**

شرط چوپان برای پیوستن به اصحاب کهف چه بود؟

- **پاسخ :**برگرداندن گوسفندان به صاحبانشان. (ص ۸۵، پاراگراف آخر)

صفحه ۸٦: یک مؤمن جدید

- **ایستگاه تفکر (ص ۸۷):**

- **سؤال :**با کمک هم‌گروهی‌های خود داستان اصحاب کهف را بررسی کرده و بگیرید. رَبِّ بودن خدا و لطف او نسبت به اصحاب کهف، چگونه معلوم می‌شود؟

- **پاسخ :**ربوبیت و لطف خدا در این موارد آشکار است:

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

۱. **هدایت چوپان** :خداوند چوپانی را که در جستجوی حقیقت بود، به سراغ آنها فرستاد تا هم همراهی برایشان باشد و هم راهنما.
۲. **سگ نگهبان** :همان سگ را به عنوان محافظی برای آنها قرار داد.
۳. **مکان غار** :غاری را با شرایطی مناسب (آب، میوه و هوای معتدل) برای استراحت و پناهگاه آنها مهیا کرد.
٤. **خواب طولانی** :با معجزه خوابیدنشان، آنها را از شر دشمن در امان نگه داشت.

صفحه ۸۷: تذکر مهم

- **سؤال کوتاه پاسخ:**

به گفته بشیر، برای حرکت در مسیر تغییر، چه چیزی کافی است؟

- **پاسخ** :خدا کافی است. (ص ۸۷، کادر "تلنگر")

صفحه ۸۸: سخنی با والدین

- **سؤال تشریحی (برای تفکر دانش‌آموز):**

به نظر شما چرا گاهی محبت‌های پدر و مادر آنطور که باید، در رفتار فرزندان دیده نمی‌شود؟

- **پاسخ (ایده‌ای برای راهنمایی)** :ممکن است محبت آنان به صورت مادی و در حد رفع نیازها باشد، اما **محبت عاطفی، گفتگوی صمیمانه و توجه به خواسته‌های روحی** فرزند کمرنگ باشد. یا اینکه محبت‌ها به صورت **شرطی** (مثلاً در ازای نمره خوب) ابراز شود که اثر تربیتی کمتری دارد.

صفحات ۹۰ تا ۹۳: داستان تینا ماری (نجمه)

- **سؤال تشریحی:**

مهم‌ترین سؤالات ذهن تینا ماری درباره مسیحیت چه بود؟ و سوره توحید چگونه به این سؤالات پاسخ داد؟

- **پاسخ** :سؤالات اصلی او درباره "خسته شدن خدا پس از آفرینش" و "تثلیث (پدر، پسر، روح القدس)" بود. سوره توحید با تأکید بر **یگانگی مطلق (أحد)، بی‌نیازی مطلق (الصمد)** و **نزاده و زاده نشدن (لم یلد و لم یولد)** خداوند، پاسخی قاطع و عقلانی به این شبهات داد.

- **برداشت (ص ۹۳):**

به نظر شما بین زندگی تینا ماری و اصحاب کهف چه شباهت‌هایی وجود دارد؟

- **پاسخ:**

۱. **حقیقت‌جویی** :هر دو گروه به دنبال یافتن حقیقت بودند و در برابر عقاید تحمیلی تسلیم نشدند.
۲. **ایثار و گذشت** :هر دو حاضر شدند برای حفظ ایمان خود، از راحتی، خانواده و موقعیت اجتماعی خود بگذرند.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

۳. **توکل بر خدا :**در مسیر پرچالش هدایت، تنها تکیه‌گاه خود را خداوند می‌دانستند.
٤. **پایداری :**هر دو در برابر فشارهای اجتماعی و خانوادگی مقاومت کردند و از ایمان خود کوتاه نیامدند.

صفحات ۹٤ تا ۹۵: احکام وراه مستقیم

- **سؤال تشریحی:**

چرا توجه به معانی ذکرهای نماز، به ویژه "بسم الله الرحمن الرحیم" مهم است؟

- **پاسخ :**زیرا نماز، گفتگوی بنده با خداست. اگر نمازگزار بداند که "الرحمن" به مهربانی خدا به همه موجودات و "الرحیم" به مهربانی ویژه او به مؤمنان اشاره دارد، احساس نزدیکی و عشق بیشتری در هنگام نماز پیدا می‌کند و نماز از یک عمل خشک و روباتی خارج می‌شود.

- **سؤال کوتاه پاسخ (ص ۹۵):**

بلند خواندن حمد و سوره در نمازهای صبح و مغرب و عشا برای چه کسانی واجب است؟

- **پاسخ :**فقط برای مردان.

جواب ایستگاه تفکر صفحه ۸۵:

۱- چه افراد دیگری را می‌شناسید که درراه خدا ازدلبستگی‌ها و دوست‌داشتنی‌های خود دل بریده‌اند؟

پاسخ: نمونه‌های تاریخی زیادی وجود دارند، مانند:

- **حضرت ابراهیم(ع) :** که حاضر شد فرزندش را در راه خدا قربانی کند.
- **حضرت موسی(ع) و پیروانش :** که وطن (مصر) را برای رسیدن به آزادی و عبادت خدا ترک کردند.
- **مهاجران صدر اسلام :** که اموال و خانه و کاشانه خود در مکه را رها کردند و به مدینه هجرت نمودند.
- **شهدا و رزمندگان :** که در دفاع از دین و میهن، از گران‌ترین دارایی خود یعنی جان خود گذشتند.

۲- آیا برای شما هم پیش آمده که دردورانی اززندگی به خاطرخدا ازیک خواسته دیگربگذرید؟

پاسخ: این پرسش شخصی است و هر دانش‌آموز باید با توجه به تجربه خود پاسخ دهد. مثال‌های ممکن:

- گذشتن از یک برنامه تفریحی برای انجام تکلیف شرعی یا کمک به خانواده.
- انتخاب راستگویی و تحمل عواقب آن، به جای دروغگویی برای رسیدن به یک منفعت.
- بخشیدن پول توجیبی برای کمک به نیازمندان.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس